

بسم ربنا الأقدس الأعظم العلیّ الأبهی

حمد و ثنا و ذکر و بها صفدران مضمار معانی و بیانرا لایق و سزا که ضوضاء مشرکین و غوغاء منکرین و نفاق رجال و زماجیر ابطال ایشانرا از نور مآل منع نمود باستقامت تمام بر امر الله قائم و راسخند ایشانند مطالع نصرت و بیان و مشارق قدرت و عرفان شنیدند و لیبیک گفتند دیدند و به لک الحمد یا اله العالم ناطق گشتند حجبات عالم ایشانرا منع نمود و از افق اعلی محروم نساخت کتب الهی از قبل و بعد بذکرشان ناطق و بنشانشان ذاکر

سبحانک یا ربّ البيت و مشید ارکانه و منور جدرانه و مبین آثاره و مظهر اثماره اسألك بحفیف سدره المنتهی و انوار وجهک من الأفق الأعلى و خزائن اسرارک فی اسمک المقدّس عن الأسماء بأن تؤیّد اولیائک علی الاستقامه علی امرک و القيام علی خدمتک ای ربّ ایدهم بقدرتک و قوتک و سلطانک ثمّ عزّزهم برحمتک و رأفتک و مواهبک انت الّذی خضعت الآیات لآیاتک و الأنوار لنورک و الکتب لکتابک و المظاهر لظهورک و المطالع لطلوعک و البحار لبحرک قد ثبت بالبرهان قدرتک و اقتدارک یا مالک الامکان و سلطان الانس و الجنّ لا اله الا انت القویّ القدير و بالاجابه جدير

و بعد نامه آنجناب رسید فرح بخشید و سرور آورد بهجت عطا نمود و بعد از قرائت و اطلاع بافق اعلی توجه نموده تمام آن تلقاء وجه بشرف اصغا فائز قوله تبارک و تعالی فی الحقیقه قلم اعلی متحیر است چه که مشاهده میشود نفوس عالم قابل اصغاء کلمات الهی و مشاهده انوار وجه صمدانی نبوده و نیستند خلقیکه در قرون و اعصار باوهم تربیت یافته لایق مشاهده انوار آفتاب یقین نبوده و نخواهند بود الی حین اهل بیان عرف یوم الله را نیافته اند و از اسرار مستوره در کلمه مبارکه یفعل ما یشاء آگاهی حاصل نکرده اند بنمی از این یم فائز نگشته اند کورکورانه و بی شعورانه میدوند و میگویند گاهی ذکر تحریف بیان مینمایند و هنگامی ذکر دون آن مفتریاتی ترتیب داده اند که شاید انوار آفتاب افق اعلی را بآن ستر نمایند فی الحقیقه اخسر احزاب عالم مشاهده میشوند از حقّ میطلبیم حزب خود را در آن اراضی و اطراف از شرّ نفوس ختاسیه حفظ فرماید آنه علی کلشیء قدیر دوستان آن ارض را تکبیر برسان و بعنایات حقّ جلّ جلاله بشارت ده شاید از عرف ذکر رحمن باستقامت و اطمینان فائز گردند انا نذکرهم و نبشّره بعنایة الله ربّ العالمین نسأله تعالی ان یمدّهم بجنود الغیب و الشّهادة و یقرّیهم الیه آنه هو السّامع المجیب البهّاء المشرق من افق سماء رحمتی علیک و علی الّذین نصرُوا امر الله ربّ العالمین انتهى

الحمد لله نور لائح و عرف ساطع و ظهور مشهود و مکلم طور ناطق امروز روز فضل و عطاست و یوم عنایت و لقا طوبی از برای نفوسیکه فائز شدند بآنچه در کتاب الهی از قلم اعلی جاری و نازل اولیاء آن ارض الحمد لله تحت لحاظ عنایت محبوبنا و محبوب من فی الأرض و السماء بوده و هستند و هر یک بذکر قلم اعلی فائز از حقّ میطلبیم کل را بر این امر اعظم مستقیم فرماید استقامتیکه سبب اقبال و استقامت اهل عالم گردد

و اینکه در باره حقوق الهی مرقوم داشتند فی الحقیقه بسیار بر آنجناب زحمت وارد شد بعد از عرض در ساحت امنع اقدس فرمودند منافع امورات خیریه بخود نفوس راجع و در اینمقامات نطق یک کلمه کافیسست هر نفسی بکمال روح و ریحان و تسلیم و رضا ادا نمود لدی الله مقبول والاّ آنه غنیّ عن العالمین طوبی لک یا محمد قبل علی بما کنت قائماً و ناطقاً و مقبلاً الی الله ربّ العالمین طوبی از برای نفوسیکه فائز گشتند بآنچه در کتاب الهی مذکور و مسطور است باید کل به ما اراده الله

عامل شوند چه که آنچه در کتاب از قلم اعلی نازل سبب و علت تطهیر و تنزیه و تقدیس و نعمت و برکت بوده و هست طوبی للفائزین ولکن در ذکر حقوق بیک کلمه کفایت نمایند و لوجه الله بآنکلمه نطق کنند و بس اصرار لازم نه چه که حق دوست نمیدارد بر نفوسیکه بخدمت قائمند تعبی وارد شود انه هو الغفور الرحیم و هو الفضال الکریم انتهى

نفوسیکه باداء حقوق از قبل و بعد موفق گشته اند و آنجناب ذکر نموده اند کل بذكر حق جلّ جلاله فائز گشتند هیچ عملی ضایع نشده و نخواهد شد اعمال خیریه کلهها کنوزند عندالله از برای صاحبانش طوبی لعبد عمل و لامة عملت فی سبیل الله ربنا و رب العالمین

و اینکه در باره جناب آقا محمد حسن مع ضلع علیهما بهاء الله مرقوم داشتند بعد از عرض فرمودند نعم ما عملت یا محمد قبل علی و نعم ما عملا فی سبیل الله حقوق الهی باید در صورت امکان و روح و ریحان داده شود نفوسیکه استطاعت ندارند بطراز عفو الهی مزینند انتهى امثال اینفقرات از قلم اعلی جاری و نازل باید در کل احوال باعزاز امر ناظر بود اینفقره اقدم و احب است عند الله ربنا و ربکم و رب العرش العظیم لله الحمد جناب مذکور و امة الله ضلع و دو ورقه علیهم بهاء الله کل بطراز ذکر الهی مزین گشتند قد احاطهم الفضل من لدی الله العلی العظیم مرسله ایشانهم بطراز قبول فائز گشت هذا فضل آخر انه هو الفضال الکریم

اینکه در باره جناب ملا محمد رفیع علیه بهاء الله و عریضه ایشان از قبل مرقوم داشتید در ساحت امع اقدس اعلی بشرف اصغا فائز و این آیات محکمت از سماء عنایت مخصوص ایشان نازل قوله عزّ بیان و جلّ برهانه

بسمی السامع المجیب

یا رفیع علیک بهائی ییقین مبین بدان هر نفسی ظاهراً و باطناً بافق اعلی اقبال نمود و بانوار وجه متوجه او بذكر حق جلّ جلاله فائز بوده و هست مقبلین لازال تحت لحاظ فضل بوده و هستند در اینمقام که مقام صرف فضل است حجبات و سبحات حائل نبوده و نیست یسمع و یجیب و هو السميع البصیر طوبی از برای نفوسیکه سبحات و اشارات بشر ایشان را از مالک قدر منع نمود و محروم نساخت از حق جلّ جلاله میطلبیم حزب خود را بطراز استقامت کبری مزین فرماید اوست بر هر شیء قادر و توانا انتهى

و اینکه ذکر جناب محمد حسن علیه بهاء الله و مرسله ایشان از قبل و جناب محمد علی علیه بهاء الله و مرسله ایشان و همچنین جناب آقا محمد علی ابن خال آنجناب و مرسله ایشان و جنابان محمد حسن و حاجی اسمعیل و همچنین ذکر ابناء خاله آنجناب علیهم بهاء الله کل در ساحت امع اقدس اعلی مذکور و بذكر مقصود عالمیان فائز له الحمد و المنة هر یک از کوثر بیان رحمن آشامیدند و در افق اعلی مذکور گشتند این خادم فانی از حق سائل و آمل که ایشانرا مؤید فرماید بر اعمالیکه عرفش بدوام ملک و ملکوت باقی و پاینده باشد اوست مشفق و اوست کریم لا اله الا هو المقتدر القدیر و آنچه از قبل و بعد ارسال شد کل رسید الحمد لله الّذی وفّقهم و ایدهم و عرفهم سبیله الواضح المستقیم

اینکه مرقوم داشتند اگر اذن باشد بجهت دیگر توجه نمایند لأجل امورات خیریه بعد از عرض اینفقره در ساحت اقدس اینکلمه علیا از افق اعلی ظاهر یا محمد علی حزب الله باید کل در اعلاء کلمه الهی جهد نمایند ولکن در جمیع احوال ملاحظه حکمت لازم اما در باره حقوق ذکرش یکبار کافیهست آنها عموماً ذکر شود هر نفسی فائز شد باداء آن او به ما نزل فی الکتاب فائز است از حق بطلب عباد را مؤید فرماید بر عمل بآنچه سبب خیر دنیا و آخرت است هذا ما حکم به الله فی کتابه المحکم المتین یوم یوم الله است و اعزاز امر مقدم انه یحکم بما ینتفع به الناس و هو المشفق الفضال انتهى در

این مقامات از قلم اعلی نازل شد آنچه که هر ذی شمی عرف عنایت و غنا را استشمام مینماید و نفع آنچه ذکر شد بخود عباد راجع است یشهد بذلک کلّ عامل بصیر

در خصوص بناء حمّام مرقوم داشتید انشاءالله جميع آن اطراف مؤید شوند بآنچه در کتاب الهی نازل اینکه در باره امة الله ضلع جناب آقا محمد حسن علیهما بهاء الله مرقوم داشتند که خود را حبس خدمت مشرق الأذکار نموده این مراتب امام وجه عرض شد هذا ما نطق به لسان العظمة قوله تبارک و تعالی انا نذکر امتی الّتی آمنّت بالله و آیاته و فازت بخدمة بیت بنی باسمه العزیز البدیع انا نکبیر من هذا المقام علیها و علی اللّائی سمعن التّداء و اجبن الله مالک هذا الأمر العظیم انتهى

اینکه ذکر اماء الله سبعة را نمودند لله الحمد ذکرشان بشرف اصغا فائز و هر یک بعنايات لايتناهى الهی مزین سعیشان مشکور و عملشان مقبول بشهرن من قبل الله ربنا و ربکم و ربّ العرش العظیم اینکه مرقوم داشتند در آخر نامه جناب محمد صادق خان و جناب آقا میرزا لطفعلی علیهما بهاء الله رجای مغفرت نمودند این مراتب در حضور عرض شد و این آیات باهرات از مطلع عنایات حقّ جلّ جلاله نازل قوله تبارک و تعالی

هو السامع و هو المجیب

یا صادق قد اقبل الیک وجه القدم من شطر سجنه الأعظم و ذکرک بما یبقی عرفه بدوام الملك و الملكوت و اسمائه الحسنی تمسک به انه یؤیدک علی الاستقامة علی هذا الأمر العظیم قل

الهی الهی لک الحمد بما ایدتنی علی الاقبال الی افقک الأعلى و اصغاء ندائک الأهلی الّذی ارتفع بین الأرض و السّماء و لک الثناء یا مقصود الملاء الأعلى و المذكور فی افئدة الأنبیاء بما وفقتنی علی عرفان مظهر نفسک و مطلع وحیک و مشرق الهامک و مهبط علمک انت الّذی یا الهی اظهرت لعبادک صراطک المستقیم و سیبک الواضح المبین اسألك یا مالک الوجود و ربّی الغیب و الشّهود بیحر علمک و شمس جودک بأن تؤیّدنی فیکلّ الأحوال علی خدمة امرک ای ربّ ترى العاصی سرع الی بحر غفرانک و الفقیر الی مکنم غنائک فاكتب له من قلمک الأعلى ما یطّهره عمّا لا ینبغی له انک انت الجواد الکریم لا اله الا انت الغفور الرّحیم و هذا ما نزلّ لجناب میرزا علیه بهاء الله

بسمی المهیمن علی الأسماء

یا لطفعلی اشکر الله بما جرى اسمک من قلمه الأعلى قل

الهی الهی انا عبدک و ابن عبدک و ابن امّک قد اقبلت الیک معرضاً عن دونک و مشتعلاً بنار حبّک و ناطقاً بثنائک و ناظراً الی افقک و متوجّهاً الی وجهک اسألك بنفحات ایامک و ظهورات قدرتک بأن لا تخیّینی عمّا عندک ترانی یا الهی قائماً لدى باب عظمتک و سائلاً بدائع جودک و مواهبک ای ربّ لا تمنعنی عمّا قدرته لأولیائک قدر لی ما ینفعنی فیکلّ عالم من عوالمک ثمّ اسألك یا مولی العالم و مقصود الأمم بأن تغفر لی و ترحنی انک انت التّواب الغفور الکریم لا اله الا انت العزیز العظیم انتهى

لله الحمد آیات از سماء فضل نازل و امطار از سحاب رحمت هاطل از حقّ میطلبیم کل را فائز فرماید و از نفحات ایامش محروم ننماید سبحان الله مع آنکه در هر حین بحری موج و در هر یوم آفتاب جود مشرق مع ذلك اکثری محجوب و

غافل محتجب‌تر از جمیع احزاب اهل بیان معلوم نیست این حزب بچه مقبل بوده‌اند و از چه معرض اینفانی از حقّ سائل و آمل که کل را قسمت عطا فرماید و صدور اهل عالم را از نار کذب و بغضا مطهر نماید اوست مقتدریکه جمیع ممکنات بر قدرتش گواهی داده و میدهند لا اله الا هو المقتدر العظیم الحکیم

اینکه در باره لوح اقدس نوشته بودند که در آن لوح مبارک امر بعمل ما نزل فی الفرقان شده اینفقره مخصوص بسجن اعظم بوده چه که اصحاب این ارض بقسمی رفتار نمودند که خارج بر جمیع امور مطلع شدند و همچنین یکی از اصحاب نظر باختلافی که مابینشان واقع شد در ملاً بعضی حرفها بمیان آمد و سبب ضوضاء خلق گشت لذا حفظاً للنفوس یک لوح باسم جناب آقا فرج علیه بهاء الله از سماء امر الهی نازل و در آن لوح امر بصوم فرقان فرموده‌اند و این حکم مخصوص این ارض نازل ولکن در الواح امر بحکمت شده یعنی اموریکه سبب ضوضای ناس و ابتلای احباً گردد اگر مستور ماند البتّه اولی و احبّست طوبی از برای نفوسیکه در مشرق الأذکار بذکر مولی الأخیار مشغولند طوبی از برای نفوسیکه بر خدمت آن بیت قائمند و طوبی از برای نفوسیکه سبب عمار آن بیت شده‌اند یدخلون بسلام و اشتیاق و یخرجون بأسف نسال الله تعالی ربنا و ربکم بأن یمدکم بأسباب الغیب و الشّهاده و یقدّر لکم ما یكون باقیاً ببقآء اسمه المهیمن علی الأسماء لا اله الا هو الغفور الرّحیم و اگر امر جدیدی از سماء امر آمر حقیقی صادر شود البتّه بان دیار ارسال میشود آنه هو المخبر العزیز العظیم

اولیای ارض باء و ش و جذبا و فاران و قاف و فاء و تاء و خاء کل در ساحت اقدس مذکور و بعنایت حقّ فائز قوله تبارک و تعالی

یا حزب الله فی الدیار اسمعوا ندآء المظلوم انه یرید ان یقدّسکم عن الظنون و الأوهام و یطهّركم بما جرى من القلم الأعلى لثلاً یمنعکم اسم من الأسماء و شیء من الأشیاء عن الله الواحد المختار یا حزب الله معرضین اهل بیان باموری تمسک نموده‌اند که لم یزل و لایزال عندالله مردود بوده اگر نفسی الیوم در کلمه مبارکه یفعل ما یشآء تفکر نماید خود را از مطالع ظنون و اوهام فارغ و آزاد مشاهده کند هر نفسی از کوثر مکنون اینکلمه مبارکه آشامید او را ضوضاء اهل فرقان و شبهات اهل بیان از مقصود عالمیان منع ننماید امروز هیچ ذکری و هیچ اسمی و هیچ کتابی انسان را کفایت ننماید و بکار نیاید چه که کل معلق است بقبول حقّ جلّ جلاله اهل بیان بظنونات قبل مشغولند و باوهامات محتجبین ناطق آنچه که سبب غفلت و اضلال است بان تمسک نموده‌اند مع آنکه ابدأ از امر آگاه نبوده و نیستند باید حزب الله بر امر بشائی ثابت و راسخ باشند که جمیع اهل عالم قادر بر منع نباشند هذا حکم الله لو هم یسمعون و هذا امر الله لو هم یعرفون کل را تکبیر میرسانیم و بعنایت حقّ بشارت میدهم البهآء من لدنا علیهم و علی الذین فازوا بهذا الأمر العظیم انتهى

الحمد لله کل بنفحات آیات فائز گشتند و از بحر عنایت قسمت بردند این خادم فانی از حضرت باقی سائل و آمل که باب رحمت را بر وجوه کل بگشاید تا جمیع از فیض اعظم محروم نمانند اینفانیهم خدمت هر یک سلام و تکبیر عرض مینماید و از برای کل توفیق و تأیید میطلبد تا جمیع بنار کلمه علیا که از قلم اعلی روح من فی ملکوت الأمر و الخلق فدا نازل شده مشتعل شوند و عالم را مشتعل نمایند ان ربنا الرحمن علی کلشیء قدیر البهآء و الثناء و الذکر علیکم و علی من معکم و علی الذین سمعوا و اجابوا ربهم المتکلم الصادق المجیب و الحمد له انه هو الظاهر الباهر الرقیب القریب